

چهل گلبرگ عفاف + عکس نوشته

بهمن ۱۳۹۴، ۰۶:۲۸ ب.ظ ۷، چهارشنبه

نمایش ۱۶۴ •



. ابتدای آتش فساد، یک جرقه است.
این جرقه، رفته رفته شعله می‌شود.
زین سبب، باید از بروز این جرقه بیم داشت.
بوییدن عطر و گل، روح را آرامش و دل و جان را نشاط می‌بخشد.
عفونت مرداب و لجن‌زار و لاشه هم، آزار دهنده و نفرت‌آور است.
هر یک از این «گلبرگ»ها عطر خاص خود را دارد.
رایحه گلبرگ‌ها روح‌پرور است و شمیم آنها، مشام جان را نوازش می‌دهد.
مخاطب این دسته گل، هم بانوان با حجاب‌اند که خود را به این جلوه‌ی معنوی آراسته‌اند و
بهای گوهری را که دارند، می‌دانند.
هم آنان که در ذهنشان نسبت به حجاب، سؤال و ابهام دارند یا خدای ناکرده از قیمت گوهر وجود خویش و سرمایه‌ی عفاف بی‌خبرند.
هوس می‌شوند.
وقتی که پل‌ها شکست و راه برگشت بسته شد، روزی که پیمان‌ه ریخت و آبرو رفت، چه
افسوس‌ها که بر این «بن‌بست بی‌آبرویی» می‌خورند و چه «ای کاش...»های بی‌ثمر بر زبان
می‌آورند.
وقتی با چشم دل می‌توان ملکوت را دید،
وقتی می‌توان به چشم خدا و فرشتگانش زیبا و آراسته جلوه کرد،
وقتی می‌توان جمال و جوانی را نردبان عروج به بام آسمان کرد و با این سرمایه، آخرت و
بهشت را خرید، آیا حیف نیست که چشم به گناه آلوده شود و چهره و تن و اندام، دام ابلیس
!برای شکار گردد و انسان عرشی، زیر آوار هوس و عصیان دفن شود؟
بستن چشم بر روی «حرام» صد دریچه به روی «باغ معنی» و بوستان کمال می‌گشاید.
فهرمان کسی است که بر هوس‌های شیطانی و وسوسه‌های ابلیسی غالب آید
و ... شیعه کسی است که آن چنان زندگی کند که بتواند سربلند و با عزت، به روی محمد و
علی و فاطمه علیهم السلام بنگرد
«اینک این شما، و این گلبرگ‌های «گل عفاف»

!!در حال تکمیل

گلبرگ ۱ : حراج عشق



کاش انسان‌ها به اندازه‌ی کالایی که می‌خرند، در دل بستن‌ها و محبت پیدا کردن‌ها هم حوصله و وسواس به خرج دهند.

حیف است که دل‌ها، بی‌در و دروازه باشد و عشق‌ها بی‌هویت و بی‌شناسنامه

چرا بعضی به «گدایی عشق» می‌پردازند و بعضی به حراج عشق؟

باید از چه گذشت تا به چه رسید؟

آیا آنچه از دست می‌دهیم، به آنچه به دست می‌آوریم می‌ارزد؟ برنده‌ایم یا بازنده؟

گلبرگ ۲ : ترکش‌های نگاه



آیا آمار مصدومین «ترکش نگاه» را دارید؟
 آیا ضایعات «تیرهای مسموم نگاه» را می‌شناسید؟
 آیا می‌دانید چه تعداد، مبتلایان به ویروس هوس در بستر نگاه آرمیده‌اند؟
 خود را «خواهران ما باید در «سنگر حجاب» موضع بگیرند و برادران ما باید با «واکسن تقوا واکسینه کنند، وگرنه عوارض «نگاه» و «بدحجابی» دامن دو طرف را می‌گیرد.

گلبرگ ۲ : شکرانه‌ی نعمت جمال



اگر زیبایی و جمال، نعمت خداست، شکرانه‌ی آن هم عفاف و پاکدامنی است. کسانی که به خاطر زیبایی رخسار و دلفریبی اندام به گناه می‌افتند، یا دیگران را به گناه می‌اندازند، حق این نعمت را ادا نکرده‌اند. جمال، هرگز مجوز ارتکاب گناه و افتادن به دام و دامن آلودگی و افکندن دیگران به باتلاق فساد نمی‌شود. روزی از این نعمت سؤال خواهد شد و حسرت برای آنان است که از این راه به دوزخ بروند.

گلبرگ ۴ : عشق‌های خیابانی



بشت بعضی از نگاه‌های مسموم و محبت‌های فریبا، دره‌ی هولناکی از سقوط و شب تاریکی از بدبختی است. بعضی قیمت خود را نمی‌شناسند و خود را ارزان می‌فروشند. همه‌ی مدعیان دوستی و عشق، خریدار نیستند، بلکه فقط قیمت می‌کنند. اگر نورافکنی بیندازید، عمق تیرگی‌های وحشتناک این عشق‌های خیابانی و تلفنی را خواهید دید. شما که نمی‌خواهید آینده‌ی خود را آتش بزنید، خیلی راحت به هر کس اعتماد نکنید.

گلبرگ ۵ : چشم، دریای هوس

پهل گلبرگ عفاف

چشم ، دریای هوس

عاقلا نه نیست که انسان برای لذت دیگران، عذاب الهی را برای خود بخرد.

وقتی چشم دریای هوس شود، قایق گناه در آن حرکت می کند و موج عصیان پدید می آورد.

رابطه ی «گناه» و «نگاه» چه قدر است؟

آنان که از تیر نگاه های مسموم پروا نمی کنند، شکار گرگ های هوسران می شوند.

آنگاه دست و پا زدن ها به جایی نمی رسد.

برای مصون ماندن از «تیر نگاه» چه باید کرد؟

rahebehesht.org

گلبرگ ۵: چشم، دریای هوس

عاقلا نه نیست که انسان بر لذت دیگران، عذاب الهی را بر سر خود بخرد.

وقتی چشم دریای هوس شود، قایق گناه در آن حرکت می کند و موج عصیان پدید می آورد.

رابطه ی «گناه» و «نگاه» چه قدر است؟

آنان که از تیر نگاه های مسموم پروا نمی کنند، شکار گرگ های هوسران می شوند.

آنگاه ... دست و پا زدن ها به جایی نمی رسد.

برای مصون ماندن از «تیر نگاه» چه باید کرد؟

عاقلا نه نیست که انسان برای لذت دیگران، عذاب الهی را برای خود بخرد.
وقتی چشم دریای هوس شود، قایق گناه در آن حرکت می کند و موج عصیان پدید می آورد.
رابطه ی «گناه» و «نگاه» چه قدر است؟
آنان که از تیر نگاه های مسموم پروا نمی کنند، شکار گرگ های هوسران می شوند.
آنگاه ... دست و پا زدن ها به جایی نمی رسد.
برای مصون ماندن از «تیر نگاه» چه باید کرد؟

گلبرگ ۶ : خودفراموشی



هوشیار باشیم که دام‌های فریب، جاذبه‌های گناه، آنتن‌های وسوسه‌گر و فیلم‌ها و سی‌دی‌های دجال‌گونه، ایمان و عفاف ما را نربایند.

خدافراموشی، خودفراموشی را در پی دارد.

هر که ارزش خود را نداند، خویش را حراج می‌کند و زیر قیمت واقعی می‌فروشد.

ارزش اجناس دست دوم خیلی پایین‌تر است.

گلبرگ ۷ : باید «دام» و «دانه» را شناخت



ما هر لحظه بر سر دو راهی «فسق» و «فلاح» ایستاده‌ایم.

بیش از هر چیز نیازمند «چراغ ایمان» و «سپر تقوا» و چشمان آگاه و عبرت‌بین هستیم تا در پیچ و خم زندگی در کام فساد و دام گناه نیفتیم.

گوهر عفاف را پاس بداریم تا کرامت انسانی خود را از دست ندهیم.

گلبرگ ۸ : قیمت وجود



صاحبان گنج و گوهر، جواهرات خود را در معرض دست و دید رهگذران نمی‌گذارند تا جلوه کند و سارق را به هوس اندازد.
کاش بانوان، قدر و قیمت وجود خود را بدانند و با جلوه‌گری، چشم و دل هوس‌بازان را نربایند و گنج عفاف را در معرض هجوم و غارت قرار ندهند.
بعضی‌ها چه راحت خود را به دام می‌اندازند و با پای خود به قربانگاه می‌روند.

گلبرگ ۹ : مروارید نفیس



پاکدامنی و عفاف، گوهری قیمتی و مرواریدی ارزنده است که باید با هزاران چشم از آن مراقبت کرد.
این گوهر اگر گم شود، دیگر به دست نمی‌آید و این مروارید اگر بشکند، دیگر درست نمی‌شود.
پس مواظب دزدان عفاف و غارتگران سرمایه‌ی حجاب باشیم.
مگر مروارید شکسته قیمتی دارد؟

گلبرگ ۱۰ : ثمره‌ی باغ زندگی



باغبان، محصول باغ و بوستانش را به تاراج و حراج نمی‌گذارد، بلکه از آن مراقب می‌کند.
حجاب و عفاف، ثمره‌ی باغ زندگی و بوستان عمر است.
!چرا باید گل حیا پر پر شود و لگدمال عابران بی‌خیال و رهزنان بی‌انصاف گردد؟
کسی که نهبان سرمایه‌اش نباشد، شایسته‌ی هر نوع ملامت است.

گلبرگ ۱۱ : دژ کرامت



هیچ کس به اسم آزادی، دیوار خانه‌اش را بر نمی‌دارد و در حیاطش را باز نمی‌گذارد.
چون ممکن است دزدی رخنه کند و اموالش را به یغما ببرد.
حجاب، دیواری است که راه را بر دزد عفاف می‌بندد و زن را در دژ کرامت مصون می‌سازد.
این دیوار را برنذاریم و این دژ را ویران نسازیم.

گلبرگ ۱۲ : گوهر عفاف



هر چیزی که نفیس تر و قیمتی تر باشد باید از آن بیشتر مواظبت کرد تا به غارت نرود.
کسی که ارزش گوهر عفاف را می داند، با بدحجابی آن را زیر دست و پای غارتگران نمی اندازد
و خود را به طعمه ای برای گرگ های هوس باز تبدیل نمی کند
به فرزندانمان بیاموزیم که از گوهر عفافشان هوشیارانه پاسداری کنند

گلبرگ ۱۳ : نگاه های مزاحم



وقتی شما در خانه ی خود را می بندید یا پشت پنجره ی اتاقتان پرده می زنید، خانه ی خود را از
گزند بیگانه و نگاه های مزاحم و حشرات مودی ایمن ساخته اید
چه زیبا گفته اند که
«حجاب، مصونیت است نه محدودیت»!
با حجاب خویش، نگاه های مزاحم را ناکام بگذارید

گلبرگ ۱۴ : انتخاب، نه تحمیل



حجاب یک انتخاب است، نه تحمیل.
آنان که حجاب را آگاهانه برمی‌گزینند، می‌خواهند «گوهر عفاف» خود را از تاراج مصون نگه
دارند.
این است که بر انتخاب خود افتخار می‌کنند و با حرف این و آن، سست و بی‌انگیزه نمی‌شوند
و تابع جو نمی‌گردند، چون از قیمت گوهری که دارند باخبرند.

گلبرگ ۱۵ : حجاب، سلاح مقاومت



دختران و بانوان فرزانه و فهیم، وقتی به بلوغ فکری می‌رسند، متین و باوقار می‌شوند. نه با
هر موج به این سو و آن سو می‌روند و نه رضای خدا را با پسند مردم عوض می‌کنند
اگر حجاب، سلاح مقاومت در برابر بی‌بندوباری است، شگفتا که کسانی خود را خلع سلاح
می‌کنند و در برابر هجوم فساد، بی‌دفاع می‌مانند.

گلبرگ ۱۶ : دل پاک، نگاه پاک



حجاب ظاهری ریشه در عفاف درونی دارد.
کسی که بخواهد پاک شود، ظاهر و باطنش را باید یکی کند.
آنان که بی‌قید و لاپالی‌اند، ولی می‌گویند «دلت پاک باشد»، نمی‌دانند که پاک‌دل در پاکی
رفتار و متانت و وقار نمایان می‌شود و از دل پاک، جز نگاه پاک بر نمی‌آید
از کوزه همان برون تراود که در اوست
نمی‌توان پذیرفت که از کسی عفونت گناه به مشام برسد، ولی مدعی باشد که دلش پاک
است.

گلبرگ ۱۷ : عصاره‌ی گل نجابت



عصاره‌ی گل‌های عالم تبدیل به «عطر» می‌گردد و در شیشه‌ی در بسته نگاه‌داری می‌شود
اگر در شیشه‌ی عطر باز بماند، عطرش می‌پرد و اگر کسی با حجاب و پوشش، عطر عفاف
خود را حفظ نکند، از ارزش و اعتبار می‌افتد.

رایحه‌ی دل‌انگیز عفاف را نباید در مزبله‌ی نگاه‌های شیطانی رها کرد و گل نجابت را نباید در دست پلید هوسبازان پرپر ساخت.

گلبرگ ۱۸ : ویروس گناه



بعضی از نگاه‌ها ویروس گناه منتشر می‌کنند و بعضی از چهره‌ها حشره‌ی مزاحمت دور خود جمع می‌کنند. قیافه‌های بزک کرده‌ای که نگاه‌های حرام را به سوی خود جلب می‌کند، مرداب حشره‌خیز است و موهای افشان و در معرض تماشای شعله‌های آتش دوزخ است که هم خود را می‌سوزاند، هم جوانان را به آتش گناه می‌افکند. حیف نیست که زن با کرامت، به یک بوتیک سیار تبدیل می‌شود؟

گلبرگ ۱۹ : کدام رابطه؟



برای شناخت زشتی و زیبایی چهره و لباسمان به «آینه» نگاه می‌کنیم.

زیبایی و زشتی اخلاق و خصلت‌ها و عمل‌های خود را در کدام آینه بنگریم؟
 رابطه‌ی ما با خودمان، رابطه‌ی یک تاجر است با سرمایه‌اش، رابطه‌ی یک کشاورز با زمین و
 زراعتش، رابطه‌ی یک باغبان با گل‌ها و درخت‌هایش، رابطه‌ی یک دانش‌آموز با درس‌ها و
 نمره‌ها و کارنامه‌اش
 آیا سود می‌بریم یا زیان، گل می‌پروریم یا خار؟
 می‌روئیم یا می‌پژمریم؟
 کارنامه‌ی ما «قبولی» است یا «رد»؟

گلبرگ ۲۰ : حیاى مریم



زنان خوب، میراث‌دار عفاف فاطمه و حیاى مریم‌اند، دریغاً که بازیچه‌ی هوس شوند و به ویروس
 گناه آلوده گردند.
 دزدان ایمان و غارتگران شرف در کمین‌اند و کوچه و خیابان، شکارگاه صیادان است.
 گوهر عفت و نجابت، کم ارزش‌تر از طلا و پول و محصول باغ و وسایل خانه نیست.
 کسی که مراقبت سرمایه‌های ارزشمند خود نباشد، اگر غارت شد و مورد دستبرد قرار گرفت،
 باید خودش را ملامت کند.

گلبرگ ۲۱ : نیش نگاه مسموم



آنکه خود را در معرض دید و تماشای نگاه‌های مسموم و چشم‌های ناپاک قرار دهد و به دلبری و جلوه‌گری پردازد، همیشه برنده‌ی این بازی نیست. روزهای ندامت هم در پیش است. هر که خود را با سپر حجاب مصون نسازد، از زهر نگاه‌ها و نیش پشه‌های شهوت در امان نخواهد بود. گاهی زهر و مسمومیت این نگاه‌ها تا آخر عمر، در وجود انسان می‌ماند و هیچ پادزهری آن را درمان نمی‌کند.

گلبرگ ۲۲ : پشت دیوار ندامت



آنکه «کودک عفاف» را جلوی صدها گرگ گرسنه می‌برد و به تماشا می‌گذارد، آنکه «یوسف زیبایی» را به چند سکه تقلبی و بدلی می‌فروشد، آنکه بدون «لباس تقوا» به صحنه‌ی شعله‌ور گناه می‌رود، روزی هم پشت دیوار ندامت می‌نشیند و اشک ندامت بر دامن حسرت می‌ریزد، سرانجام هم در آخرت، در آتش بی‌پروایی و بی‌تقوایی خود خواهد سوخت.

آیا دیدن این همه طعمه‌های تباه شده و پشیمان کافی نیست که دیگران این راه را دوباره تجربه نکنند؟

گلبرگ ۲۲ : همسو و همسان با الگو



به خود می‌بالیم که محبت زهرا علیها السلام در دل داریم و افتخار ما عشق به زینب کبری علیها السلام است. این محبت اهل بیت علیهم السلام باید خود را در زوایای زندگی ما نشان دهد. شباهت ما و این دو الگو در چیست؟ اگر عفت و عبادت و حیای فاطمی و صبر و شجاعت و وفای زینبی در ما نباشد، چگونه ثابت کنیم که شیعه‌ی زهرا و پیرو زینبیم؟ آیا ادعای خالی را از ما می‌پذیرند؟ بکوشیم با اسوه‌های کرامت و نجابت همسو شویم.

گلبرگ ۲۴ : غنچه‌های نجابت



... عاقل آن است که اندیشه کند پایان را
 از اول که جامه‌ی عفاف به زیبایی و کرامت آراسته است و سفیدی و شفافیت عصمت را دارد،
 نباید گذاشت چرکابه‌ی گناه و معصیت بر آن بپاشد
 از اول باید مواظب بود که پای بیگانه به مزرعه‌ی نجابت باز نشود و دست تجاوز به غنچه‌ها و
 بوته‌های نورس عصمت نرسد
 وگرنه ... پس از لگدمال شدن گل وجود، اشک و فغان و ندامت بی‌ثمر است و آب و آبروی
 رفته را بر نمی‌گرداند

گلبرگ ۲۵ : سنگر مقاومت



وقتی حجاب، سلاح و سنگر باشد، زنان با حجاب هم مرزبانان عفاف و شرفند.
 مهاجمان فرهنگی می‌کوشند با تضعیف حجاب و ترویج عربانی، زنان و دختران جامعه را خلع
 سلاح کنند
 کسی که از دشمن و شیوه‌های هجوم او آگاه باشد، به این خلع سلاح تن نمی‌دهد

گلبرگ ۲۶ : هنر پاک ماندن



چرا برخی از جوانان شرط «احتیاط» را از دست می‌دهند و خود را در معرض بارش تیرها و ترکش‌های خطرناک قرار می‌دهند؟ آیا این همه افراد ترکش‌خورده از نگاه‌های مسموم و فلج شده از ارتباط‌های آلوده و شوم برای عبرت کافی نیست؟ هنرمند کسی است که بتواند در فضای آلوده، پاک و عقیف بماند و گرنه گناه و آلودگی که هنر نیست و از همه کس برمی‌آید

گلبرگ ۲۷ : صحنه‌های ضبط شده



آنان که از بی‌حجابی و برهنگی و خودنمایی لذت می‌برند شاید فراموش کرده‌اند که دستگاه‌های دقیق خدا، این صحنه‌ها را ضبط و فیلم‌برداری می‌کند و فردای قیامت مورد سؤال قرار خواهد داد. آیا حاضرید فیلم تماس‌ها و روابط شما در قیامت به نمایش عمومی درآید و رسوایی به بار

آورد؟
محکمه‌ی الهی اسناد و مدارک فراوان از اعمال ما در اختیار دارد. برای آنها چه جوابی داریم؟

گلبرگ ۲۸ : وسوسه‌ی گناه



دزدان عفاف، از دیوار کوتاه بدحجابی و بی‌حجابی، راحت‌تر به حریم کرامت زنان و دختران دستبرد می‌زنند اما زنان باحجاب چون در سنگر حفاظتی عفاف و پوشش‌اند، از این گونه تعرض‌ها و وسوسه‌های شیطانی مصون‌ترند. خوشا آنان که با پوشش و حجاب، محیط را هم برای خودشان ایمن و سالم می‌سازند، هم وسیله‌ی هوسبازی دیگران نمی‌شوند و بیماردلان را به وسوسه‌ی گناه و شعله‌ی هوس نمی‌اندازند.

گلبرگ ۲۹ : نقاب مهربانی



انوان و دختران، به خاطر ارزش و کرامتی که دارند، نباید در بازار سوداگران شهوت، خود را به

بهای چند نامه و نگاه و لبخند و پیام بفروشند.
کامجویان دیوسیرت، نقاب مهربانی به چهره می‌زنند و مدعی عاشقی می‌شوند اما وقتی
گل عصمت را چیدند و زیبایی کرامت را از بین بردند، قربانی خود را زیر پای خود له می‌کنند، یا
مثل دستمال مصرف شده، دور می‌اندازند
و ... چه خوش باورند، آنان که تسلیم می‌شوند

گلبگ ۲۰ : حجاب، قلعه یا زندان؟



حجاب، زندان نیست که زنان در آن محبوس باشند، بلکه قلعه و دژی است که از ورود غارتگران و مهاجمان جلوگیری می‌کند.
زنان با حجاب، قلعه نشینانی‌اند که به مزاحمان اجازه‌ی ورود به حریم عفاف نمی‌دهند و در این حصار بلند از گوهر عفاف پاسداری می‌کنند.

گلبگ ۲۱ : زیبایی سیرت یا صورت؟



بی حجاب یا بدحجاب، همچون شاخه‌ای بیرون از حصار باغ است که طمع هر رهگذر را به سوی خود جلب می‌کند.
 هر شاخه که از باغ برون آرد سر در میوه‌ی آن طمع کند راهگذر.
 گل عفاف در بوستان حجاب می‌روید و عطر پاک، وجود زنان محجبه را قیمتی می‌کند.
 آنان که از سیرت والا محرومند، به نمایش صورت خود می‌پردازند.

گلبرگ ۲۲ : جواهر اصلی و بدلی



پیروان آرایش و تجمل، ویتترین مد و بوتیک تماشای دیگرانند.
 فاقدان کمال سیرت می‌کوشند جمال صورت را به نمایش عمومی بگذارند و احساس کمبود شخصیت را جبران کنند.
 کسی که جواهر اصلی دارد، به بدلی رو نمی‌آورد.
 دریغ بر کسی که قیمت خود را در چند قطعه طلا یا چند دست لباس بداند.

گلبرگ ۲۲ : زیبارویان عقیف



اگر عفاف و پاکدامنی را بر خوبی‌هایتان بیفزایید، امتیازتان بیشتر می‌شود و اگر چهره و جمال شما را به گناه افکنند، از امتیاز شما کم می‌شود.

خداوند در میان جوانان و زیبارویان، آن قدر نمونه‌های عفاف و پاکدامنی دارد که به رخ انسان بکشد و راه بهانه را بر معصیت‌کاران ببندد.

آنان که هم «مال و جمال» دارند و هم «عفاف و کمال»، حجت خدا بر دیگرانند!

هرگز مباد که نعمت، وسیله‌ی عذابمان گردد؟!

گلبرگ ۲۴ : برگ هویت



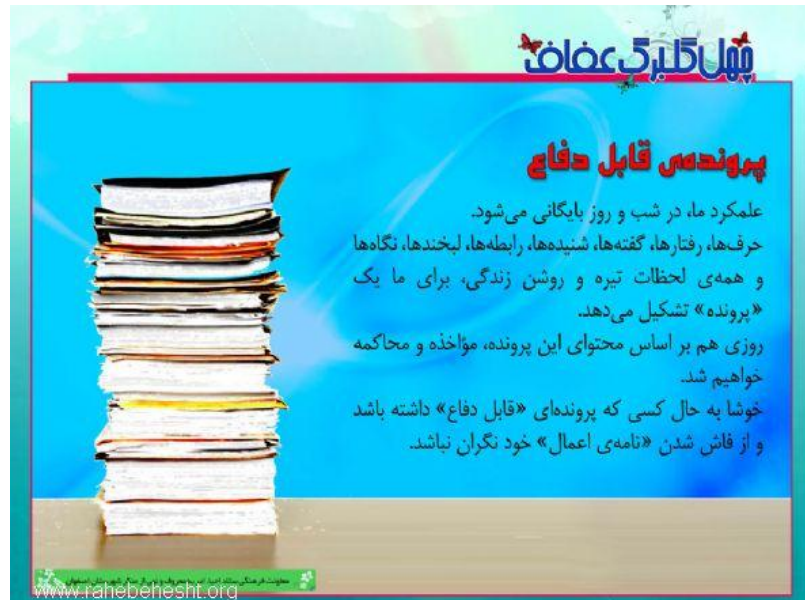
شاید لباس را زود به زود بشود عوض کرد یا خانه را فروخت ولی «فرهنگ» و «اخلاق» هویت ماست.

نباید به این زودی و سادگی، شخصیت و هویت خود را بفروشیم و عوض کنیم.

برای مقاومت در برابر سیل تهاجم فرهنگی باید «سدّ ایمان» زد و از مرز عقیده و اخلاص و

فرهنگ حجاب و عفاف نگهبانی کرد
خودباختگان در برابر فرهنگ بیگانه، به راحتی «خدا» را هم می‌بازند
!برگهی «هویت» خود را گم نکنیم

گلبرگ ۳۵ : پرونده‌ی قابل دفاع



علمکرد ما، در شب و روز بایگانی می‌شود.
حرف‌ها، رفتارها، گفته‌ها، شنیده‌ها، رابطه‌ها، لبخندها، نگاه‌ها و همه‌ی لحظات تیره و روشن
زندگی، برای ما یک «پرونده» تشکیل می‌دهد
روزی هم بر اساس محتوای این پرونده، مؤاخذه و محاکمه خواهیم شد
خوشا به حال کسی که پرونده‌ای «قابل دفاع» داشته باشد و از فاش شدن «نامهی اعمال»
خود نگران نباشد

گلبرگ ۳۶ : نار و پود متانت



چادر و مقنعه‌ای که قامت کوچک و چهره‌ی نجیب دخترکان معصوم را می‌آراید، تار و پود حجاب و متانت در بزرگسالی است.
 دختران اگر از کوچکی با مفهوم حیا و حجاب انس بگیرند، در بزرگی کمتر آسیب‌پذیر می‌شوند.
 نهال عشق به حجاب را از کودکی در دل فرزندانمان بکاریم، تا در بزرگی ثمر دهد.

گلبرگ ۳۷ : خودمان باشیم



ظاهر در باطن مؤثر است.
 باطن هم در حالات و رفتارهای ظاهری اثر می‌گذارد.
 کسی که در لباس، قیافه، نوع زندگی، فرهنگ اجتماعی و آداب و رسوم از بیگانه پیروی کند و الگو بگیرد، کم‌کم شخصیت و هویت او هم بیگانه می‌شود و شباهت ظاهری به تدریج او را به «فرهنگ‌پذیری» می‌کشد.
 ما که قومی با فرهنگ و ریشه‌دار و غنی هستیم، چرا در فرهنگ و آداب از بیگانه‌گدایی کنیم؟!
 خودمان را از یاد نبریم، خودمان باشیم.

گلبرگ ۲۸ : آینه‌ی ایمان



عشق به قرآن و اهل بیت علیهم السلام را از دل و درون، به اندام و برون آوریم و از باطن به ظاهر و از سیرت به صورت. یگانگی «بود» و «نمود» و یکسانی ادعا و عمل، گواه ایمان صادق ماست. اگر رفتار ما تابلوی باورهای دینی ما باشد و اگر ظاهر ما آینه‌ی باطنمان گردد، شاهد آن است که در عقیده به قرآن و مکتب صادقیم. حجاب یکی از این تابلوها و آینه‌هاست ...

گلبرگ ۲۹ : پرورش گل‌های حیا



اگر از عفونت مرداب رنج می‌برید،
اگر از خارستان محیط ناراحتید،
اگر از بی‌فروغی دل‌ها و کوچه‌ها و خیابان‌ها در هراسید، در بوستان زندگی گلی بکارید و به جای دشنام به تاریکی، چراغی روشن کنید و به جای نفرین به مرداب و خارستان، گلستان معطر بسازید.
شما که باغبان حیا و عفافید، چند گل زیبا پرورش داده‌اید؟
هر دختر با ایمان و باحجاب و پاک و نجیب که تربیت کنید، گامی برای خشکاندن مرداب برداشته‌اید و ظلمت را شکسته‌اید.

نفرین به مرداب و خارستان، گلستان معطر بسازید
شما که باغبان حیا و عفافید، چند گل زیبا پرورش داده‌اید؟
هر دختر با ایمان و باحجاب و پاک و نجیب که تربیت کنید، گامی برای خشکاندن مرداب
برداشته‌اید و ظلمت را شکسته‌اید.

گلبرگ ۴۰ : منطقه‌ی ورود ممنوع



کسی که «خط قرمز»های نگاه را نشناسد. به منطقه‌ی «ورود ممنوع» وارد می‌شود و گرفتار می‌گردد.
مگر به هر چه «دیدنی» است، باید نگریست؟
چشمی که حریم زندگی شخصی دیگران را مراعات نکند و «هرزه‌بین» شود، از قیمت می‌افتد.
نگاه، گاهی تیر مسموم شیطان است و میان نگاه و گناه، گاهی فاصله‌ی اندکی است.
کسی که حریف چشم خود نیست و نگاهش را نمی‌تواند کنترل کند، چه ادعایی دارد؟

منبع : گل عفاف / جواد محدثی

لینک مطلب:

<http://bit.ly/1pmBUjR>